

# علم أصول الفقه

۹۱-۲-۳۰ مبادئ مختص تصديقي ۸۳

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- گفتیم قاعده‌ی اعم اغلب یکی از دلایل قایلان رأی اول است. آنها با تمسک به این که اغلب رفتارها و گفتارهای پیامبر برخاسته از شأن نبوت حضرت صلی الله علیه و آله است، رفتارها و گفتارهای مشکوک را بر همین شأن حمل می‌کنند و دیدیم که در نهایت، اجرای قاعده - بر فرض این که بتوانیم اجرا نماییم - ظن را به ارمغان می‌آورد و ما هرگز به حکم قطعی دست پیدا نمی‌کنیم.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- دلیل اول قول اول این بود که نبی اکرم ص برای بیان شرعیات مبعوث شده است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- اما می توان بیان دیگری از این قاعده یا دلیل اول ارایه نمود که شاید مراد متمسکان به این قاعده یا دلیل اول نیز همین باشد. آن بیان، انتظار مردم است که بر نکته‌ی زیر مبتنی می باشد:

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر مبعوث شده و مسئولیت رسالت و ابلاغ پیام الهی را بر عهده گرفته است. این عنوان اصلی ترین و محوری ترین شأن حضرت بوده است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- یعنی اگرچه حضرت صلی الله علیه و آله مسئولیت حکومت و امامت را بر عهده داشته و از منصب قضاوت برخوردار بوده است و از آن سو، به عنوان یک انسان دارای شؤون طبیعی بوده، ولی شأن نبوت در نظر مردم محوری ترین شأن حضرت به حساب می آمده است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- انتظار و توقع مردم از شخصیتی که دارای شؤون مختلف می باشد و آخرین پیام آور الهی است، این نیست که فقط رفتار و گفتاری عادی داشته باشد یا احکام حکومتی و قضایی مطرح کند. آنها توقع دارند که این پیامبر، احکام واقعی الهی را برای آنها بیان نماید.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- توجه داریم بحث در اینجا این نیست که نبوت ثبوتاً افضل است یا خیر، بحث در انتظار مردم است چه نبوت افضل شؤون باشد چه نباشد.



## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- این توقع ابتدایی مردم باعث می‌شود آنها کارها و گفتارهای پیامبر را بر شأن نبوت حمل کنند؛ اگرچه ممکن است توقع و انتظار آنها، انتظاری بیجا و ناصحیح باشد. یعنی ما فعلاً به صحت و سقم این خصوصیت کاری نداریم، آنچه مهم است، تحقق و وجود چنین توقعی است. مردم از پیامبر خویش چنین توقعی دارند.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- از آن سو، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌داند که مردم چنین انتظاری دارند. او با خبر است که مردم او را به عنوان پیام آور احکام الهی می‌شناسند و به چنین چشمی به او می‌نگرند.
- از این رو، بر او لازم است که بر افعال و اقوال حکومتی، قضایی و عادی خود قرینه‌ای نصب نماید و آنها را از دیگر افعال و اقوال که از شأن نبوت صادر می‌شوند، جدا کند.
- اگر وی اشاره‌ای به قرینه نکند و وجه فعل و گفتار خویش را تعیین ننماید، مردم بر طبق انتظار خویش، آن فعل یا گفتار را بر شأن نبوت حمل خواهند نمود.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- اما آیا واقعاً چنین توقعی وجود داشت؟ اگر در جامعه‌ی صدر اسلام می‌زیستیم و می‌دانستیم فلان شخصیت، پیامبر خاتم است و به وی اعتقاد داشتیم، توقعمان از وی چه بود؟ آیا انتظار نداشتیم که احکام الهی را از زبان او بشنویم و رفتاری مبتنی بر حکم الهی از او مشاهده کنیم؟ اگر به عرف و عادت مردم مراجعه کنیم، چنین توقعی را می‌بینیم.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- این توقع حتی در مورد انسان‌های خیلی پایین‌تر از حضرت صلی الله علیه و آله نیز هست. در نظر مردم کارها و اقوال رجال دین، علما و روحانیون، حتماً یک وجه شرعی دارد، با این که یقیناً آنها پیامبر یا امام معصوم نیستند و مردم فقط به آنان به عنوان یک شاگرد مخلص اهل بیت علیهم السلام می‌نگرند. مسلم اگر خود نبی یا امام در جامعه حضور داشته باشند، به طریق اولی چنین توقعی پیدا می‌شود و تلقی مردم این است که پشت گفتار و رفتار چنین شخصی هدایت الهی وجود دارد.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- به بیان دیگر، عقلا توجه دارند که معصوم از شؤون مختلف دینی (رهبری، قضاوت و بیان دین) برخوردار است، می‌دانند که آنها به عنوان حاکم اسلامی، رهبری جامعه را به عهده دارند و در موارد اختلاف در بین مردم، اقدام به قضاوت می‌کنند و از شأن نبوت یا امامت به معنای علم الهی (که بیان دین است) نیز برخوردارند؛ اما توقع آنها فقط این نیست که آنچه معصوم علیه السلام بیان می‌کند یا انجام می‌دهد، امری دینی (یعنی جامع بین سه شأن و اعم از حکم الهی و حکم ولایی و حکم قضایی) باشد.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- آنها چیزی بیش از این را انتظار ندارند. توقع آنها این است که معصوم، دین را برای آنها تبیین کند و کلام او بیان حکم الهی باشد.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- در نظر آنان حکم قضایی اختصاصاً در موردی است که بین دو نفر در یک مسأله‌ی حقوقی اختلاف باشد. بنابراین در جایی که موضع، موضع قضاوت نیست و اختلافی وجود ندارد، توقع صدور حکم قضایی هم نیست.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- حکم ولایی نیز هرچند پشتوانه‌اش حکم الهی است، اما به هر حال مربوط به شرایط خاص است. این حکم برای اداره‌ی جامعه و با توجه به شرایطی است که جامعه در آن وضعیت خاص دارد، پس چیزی نیست که به طور عمومی در گفتارها و رفتارهای معصوم مورد توقع باشد. بلکه به عنوان حاکم و در مقام اداره‌ی جامعه، توقع چنین حکمی از معصوم است.



## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- در غیر این موارد یعنی در غیر آنجا که شرایط، اقتضای حکم ولایی دارد و یا اختلافی در میان است که معصوم علیه السلام به ناچار حکم قضایی صادر می‌کند، توقع مردم این است که معصوم علیه السلام یک حکم الهی را بیان نماید.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- به واسطه‌ی همان توقع ارتکازی عقلا یا متشرعه، گفتار و رفتار معصوم در بیان حکم الهی ظهور می‌یابد و بر اساس این ظهور ثانوی، رفتار و گفتار نبی بر شأن نبوت و رفتار و گفتار امام بر شأن امامت به معنای علم الهی حمل می‌گردد؛ مگر این که قرینه‌ای، خلاف آن را ثابت نماید.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- این قرینه می‌تواند یک قرینه‌ی حالیه باشد به گونه‌ای که فضای صدور رفتار یا گفتار، وجه سخن و عمل را تعیین کند.
- بنابراین ضرورت ندارد خود معصوم علیه السلام به صراحت در کلام خویش وجه گفتار و رفتار را معین نماید.
- از این رو، اگر در مقام دآوری یا در بین امرای خویش مطلبی بگوید، فضای قضاوت و جمع‌أمرأ خود دلیل بر آن است که بیان وی از شأن قضاوت و حکومت صادر شده است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- لازم به ذکر است که ارتکاز فوق را از یک جهت می‌توان عقلایی نامید و از جهت دیگر متشرعی. از آن جهت که همه‌ی عقلا از نبی مثلاً چنین توقعی دارند، ارتکاز فوق عقلایی است و از آن جهت که این ارتکاز در دایره‌ی متدنیان و معتقدان به نبوت نبی مطرح می‌گردد، ارتکاز متشرعی است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- اگرچه حتی اگر این ارتکاز، متشرعی هم باشد و فقط متدینان به اسلام را در بر گیرد، منشأش همان عاقل بودن آنها است. هر کس به فردی اعتقاد داشته باشد و او را پیام آور حقیقت بداند، همین تلقی را خواهد داشت. تفاوتی که وجود دارد در مصداق و فردی است که مورد اعتماد قرار گرفته است.

## ظهور ناشی از ارتکاز عقلا یا متشرعه

- کسی که نبوت خاتم را می‌پذیرد و به او اعتقاد پیدا می‌کند، همین توقع را از او دارد، اگرچه کس دیگر به دلیل عدم اعتقاد به وی از چنین توقعی برخوردار نیست و یقیناً از شخص ثالثی که مورد اعتمادش است و او را الگو و نمونه‌ی خویش گرفته است، توقع و انتظار دارد که رفتار و گفتارش بیانگر حکمی الهی باشد و راه سعادت را به او بنمایاند.